

به وکلای بازنده، زمینه فرار از کشور را آماده کنید!

رادیو آزادی به تاریخ ۲۸ عقرب ۱۳۸۹ گزارش داد: ((در اجلاس عمومی کمیته روسای ولسی جرگه که نتایج آن بروز چهار شنبه توسط محمد یونس قانونی رئیس ولسی جرگه معلومات ارائه شد، ضمن نگرانی از وضع امنیتی آن عده وکلای که در دور بعدی به ولسی جرگه را نیافته اند تصمیم اتخاذ شد که برای هر یک از وکلای دو میل اسلحه با کارت حمل سلاح داده شود و هم چنان در آن جلسه فیصله به عمل آمد تا برای مسافرت آبرو مندانه وکلای که دوره کارشان به پایان می رسد، تسهیلات لازم از جمله پاسپورت و سایر نیازمندی ها فراهم شود ایشان میفرایند:

" در پنج سال گذشته این وکلا موضع گیری و اظهاراتی داشتند بعضی مشکلات امنیتی برای شان پیدا شده، برای آن عده از وکلای که در دور دوم به ولسی جرگه آمده نه توانستند کمیته روسا چنین بحث کردند که لازم است که برای امنیت آنها دو میل سلاح با کارت حمل سلاح در اختیار آنها قرار داده شود و هم فیصله شد که به آن عده از وکلای که در پنج سال گذشته نماینده مردم بودند. اگر پاسپورت سیاسی داده نمی شود حد اقل پاسپورت خدمت داده شود." ((

وای بر ملتی که نمایندگان (انتخابی!!) شان در پارلمان کشور، پس از ختم دوره کاری شان و پس از آنکه زر و زور و تزویر شان بار دیگر کارگر نیفتاد و رمل و جادو و جنبل هم ره بجائی نبرد، از ترس مردم و از وحشت انتقام مردم، در صدد فرار از کشور برآیند.

وای بر کشور ایکه وکیل و وزیر و سفیرش چون از مسند قدرت برافتند، بار وبستره بسته کرده و مملکت را با یک پشماره دالر و درهم و دینار، ترک کنند.

وای بر مردمی که نمایندگان شان جهت حفظ جان، به بادبگارد و محافظ و توپ و تفنگ ضرورت داشته باشند. در کشور باستانی ما و در تاریخ سیاسی مملکت خویش، چنین خفت و خواری و شرمساری و چنین بی ننگی و ذلتی را سراغ نداریم و یا لااقل این کمترین چنین چیزی را بیاد ندارد.

صرف یکبار در دور دوازدهم یا سیزدهم شورای ملی بود که (ببرک کارمل) در داخل شورای ملی مورد لنت و کوب وکلای ملت قرار گرفت و (اناهیتا راتب زاد) وی را از مرگ حتمی نجات داد. اما هرگز بیاد نداریم که وکلای انتخابی و یا انتصابی در شورای ملی، بعد از ختم دوره کاری شان، از مقابل شدن با مردم وحشتزده شده باشند. نمایندگان واقعی مردم، از بطن مردم خود برخاسته و در بطن مردم زنده اند. نمایندگان اصیل مردم در حقیقت چون ماهی در بین آب هستند و همانگونه که ماهی خارج از آب، زندگی ندارد، همانگونه هم وکیل یا نماینده واقعی و حقیقی مردم هم بدون مردم خود زندگی ندارد. اما امروز با هزاران درد و دریغ دیده میشود که وکلای پارلمان کشور، چون نمایندگان واقعی مردم نبوده و در حقیقت نماینده زور زور تزویر بوده اند*، در اولین فرصت و در فردای شکست مفتضحانه و درست زمانیکه نان و قران شان دیگر کارگر نیفتاد، از وحشت و ترس و واهمه، بفکر پاسپورت سیاسی و بادبگارد و محافظ شخصی شدند و دست تضرع به دامن قانونی بردند تا باشد پاسپورتنکی تهیه دیده و بار وبستر بریندند و راهی دیار غیر گردند. چه خوش گفته اند "انرا که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است"، و چون نمایندگان زر و زور و تزویر در پارلمان فرمایشی از محاسبه مردم واهمه دارند، به تقلا شده و سوراخ فرار گم کرده اند و به هر خس و خاری می چسبند تا مگر از غرق شدن نجات یابند.

یونس قانونی چون خود را در آئینه رفقا می بیند و آینده بهتری از آنها پیشرو ندارد، خود را به آب و آتش میزند تا مگر راه گریز برای بلی قربان گویان خویش جستجو نماید. در حقیقت سرنوشت خائنین همواره همین بوده است و

خائن همیشه خائف است و در وحشت و فرار و گریز.

گزارش می افزاید: "... هم چنان در آن جلسه فیصله به عمل آمد تا برای مسافرت آبرو مندانه وکلای که دوره کارشان به پایان می رسد، تسهیلات لازم از جمله پاسپورت و سایر نیازمندی ها فراهم شود..."

زمانیکه دور کار وکلای مردم به پایان میرسد و برای دور دیگر قادر به ورود به پارلمان نمی گردند، آیا حتماً ضرورت می افتد تا پاسپورت گرفته و ترک کشور نمایند؟ از جانب دیگر وکلای که دوره کارشان پایان یافته و بار دیگر موفق به ورود به پارلمان نمی گردند، چرا باید فرار نمایند؟ آیا این بدان معنی نمیتواند بود که وکلای مورد نظر جناب قانونی، نمایندگان زر و زور و نوکران چوکی و مقام بوده اند؟ همچو نمایندگان، چون چوکی و مقام از دست دادند و زر و

زبور شان در مخاطره قرار گرفت ، چار ناچار باید فرار بر قرار ترجیح دهند . برای چنین افرادی ، "مسافرت آبرو مندانه " چه معنی میدهد و چگونه امکان پذیر است؟ منظور آقای قانونی از " تسهیلات لازم" و "سایر نیازمندی ها " کدام است ؟ هرگاه قرار باشد در هر دور جدید پارلمانی برای آنده از وکلا که قادر به ورود به دور جدید نمی گردند، پاسپورت های سیاسی و " تسهیلات لازم" و "مسافرت آبرو مندانه " و "سایر نیازمندی ها " و نیز چند میل اسلحه و چند بادیگارد فراهم گردد، آینده ملت به کجا خواهد کشید؟

آیا دیگر حتی یک فرد از افراد ملت ، حاضر به رای دادن و انتخاب وکیل و نماینده خواهد شد؟ ایشان می فرمایند : " ... در پنج سال گذشته این وکلا موضع گیری و اظهاراتی داشتند بعضی مشکلات امنیتی برای شان پیدا شده... " ، اما آن جناب نفرموده اند که موضع گیری وکلای مورد نظر شان در پنج سال گذشته ، چه اشکالی داشته است که امروز سبب بروز مشکلات امنیتی برای شان گردیده. وکلای مردم چرا باید موضع گیری خلاف خواسته های بر حق مردم داشته باشند؟ اگر نه چنان است ، پس این ترس و واهمه و وحشت چرا ؟

قانونی صاحب ادامه میدهند: " ... فیصله شد که به آنده از وکلا که در پنج سال گذشته نماینده مردم بودند. اگر پاسپورت سیاسی داده نمی شود حد اقل پاسپورت خدمت داده شود".

جناب شان جمله بالا را که از متن گفتار شکر بار شان گرفته شده ، چگونه توجیه و تفسیر مینمایند؟ چگونه میشود که برای پنج سال نماینده مردم در پارلمان بود و بعد از پنج سال نمایندگی مردم ، از چنگ مردم فرار کرد و در تلاش فرار از مملکت برآمد؟

اگر وکلای مردم بوده اند، پس چرا از مردم میگریزند؟

در حقیقت این وکلا و رهبر شان یونس قانونی با این درخواست طفلانه و غیر منطقی شان ، ناخودآگاه و یا هم از روی ترس و وحشت ، اعتراف کرده اند که در دور اول انتخابات پارلمانی با تقلب و خرید رای و یا هم با زور گلوله و تفنگ و یک شکم نان و چند قران ، وارد پارلمان گردیده اند. اگر چنین نبوده است ، پس فرار چرا؟

هنوز خوب بیاد داریم دور اول شورا یا پارلمان را که همین وکلای گریزی امروزی به سردمداری همین یونس قانونی و یک مشت افراد زبرد دار گریختگی ، چگونه تقلا کردند که خودبخشی نموده و خود جنایتکاریهای خویش را از کیسه خلیفه بخشیده و " عفو عمومی " اعلان نمایند وبا هزاران درد و دریغ شاهد بودیم که رئیس دولت هم در پای آن وثیقه ننگین ، مهر تائید گذاشت. انجام و یا خاتمه دور اول و آغاز دور دوم نیز باید با ترفند های جدیدی همراه باشد و این حاتم بخشی هم صرف یک نمونه کوچک آن تواند بود. صد البته که اینبار هم رئیس دولت مانند گذشته و طبق معمول ، بر پای این وثیقه شرم آور و ننگین کنونی نیز ، مهر تائید میگذارند.

هر رای که با دادن سیم آوردند آه دل مسکین و یتیم آوردند
صندوق لواسان چو بسی بود علیل نظر برای او حکیم آوردند

*- با جرأت میتوان گفت که محترمان داکتر رمضان بشردوست و ملالی جویا ، نمایندگان واقعی و برحق مردم در پارلمان کشور بوده اند که از بین مردم برخاسته و در دلهای مردم جا داشته و به هیچگونه پاسپورت سیاسی و "مسافرت آبرو مندانه " و " تسهیلات لازم" و "سایر نیازمندی ها " و...، ضرورتی نداشته و از این قاعده مستثنی اند.